

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان از: حمید بهشتی
۲۲ اکتوبر ۲۰۱۳

تسلط جنگسالاران بر سوریه مصاحبه با لوی حسین در دمشق

کشور سوریه در معرض از هم پاشیدن است: شورشیان مبارز حال دیگر فقط به خاطر به دست آوردن غلبه در برخی مناطق می جنگند. دول غرب هم از تقسیم کشور حمایت می نمایند. گفت و گوئی با لوی حسین در دمشق. لوی حسین نویسنده ایست از اهالی سوریه. او که به خاطر عقاید سیاسی اش هفت سال زندانی بوده و ۱۹۹۱ آزاد گشته است در فرایند تحولات سیاسی اجتماعی سوریه و جهان عرب شرکت داشت. وی در سال ۲۰۱۱ با همکاری جمعی، «جنبش بنای کشور سوریه» را تأسیس نمود (BSS) «Building The Syrian State» که اکنون از مهم ترین جنبش های ضد خشونت در آن کشور به شمار می رود.



لوی حسین

شما وضعیت فعلی سوریه را چگونه ارزیابی می کنید؟

ما اکنون شاهد تجزیه سوریه بوده و کشورمان در معرض سقوط می باشد. در وضع حاضر راه حل بستگی به توافق میان روسیه و امریکا داشته، سرنوشت کشور در کنفرانس ژنو تعیین می شود. تا آن زمان احتمال به وجود آمدن تعادل نظامی وجود ندارد و این امکان است که در ماه های آتی سوریه به صورت حکومت مرکزی دیگر نباشد.

آیا شما انتظار دارید که سوریه از هم بپاشد؟

نه به این معنی که مرزهای رسمی جدیدی به وجود آیند. اما در همه جا جنگسالاران گروه ها در مناطق مشخصی کنترل امور را به دست خواهند گرفت. معلوم نیست آنها به لحاظ مالی از کجا تأمین می شوند. اما آنها نیزمانند سرداران دیگر بوده و در حمایت از رژیم مناطق خود را کنترل می نمایند. قانع کردن این گروه ها به این که اسلحه های خود را به زمین نهاده، تابع رژیم گشته و کنترل سیاسی و نظامی مرکز را بپذیرند کار بسیار مشکلی خواهد بود. علاوه بر اینها گروه سومی هم وجود دارد. این دسته شامل است بر اشخاص دارای نفوذ و کشورهایی که همگی منافع خویش را در مد نظر دارند. آنها از دستجات نظامی متفاوتی حمایت کرده و حتماً برای آنها تعیین تکلیف می نمایند و

این امر وضعیت را بسیار مشکل تر می کند. به ویژه در شمال کشور گروه های مسلحی هستند که مرزها، نیروگاه ها و مناطق نفتی را در کنترل خویش داشته و هر چه بتوانند به پول تبدیل نموده و بدان دلخوش اند.

این را که در حال حاضر درگیریهای میان دستجات مختلف مسلح و نیز میان کردان و جبهه النصره صورت می گیرد شما چگونه توجیه می کنید؟

دستجات مسلح مزبور دیگر در صدد به دست آوردن حاکمیت نبوده، می کوشند بر مناطق خودشان مسلط گردند. این که آنها علیه یک دیگر اقدام می کنند دلیل آن است که توسط سرداران محلی اداره می شوند. دعوی آنها بر سر اختلافات سیاسی، ایدئولوژیک و یا مذهبی نیست، بلکه بر سر به دست آوردن سلطه می باشد. این کار در حلب و نواحی اطراف آن به ویژه در مناطقی که به آنها مناطق آزاد گفته می شود، صورت می گیرد.

آیا درگیری های داخلی علامت آنست که دستجات جنگنده از کسانی که آنها را به لحاظ مالی تأمین می کردند مستقل عمل می کنند؟

نه، آنها همچنان مورد حمایت مالی قرار دارند. مخارج آنها را افراد شخصی تأمین می نمایند و نه دولت ها. برخی از منابع مالی آنها جزء اپوزیسیون یا «ائتلاف ملی» می باشند. این پول ها را آنها از دول مختلف تهیه می نمایند با این قید که آنها را برای تأمین مایحتاج عمومی و انسانی مصرف خواهند نمود و این روندی است منطقی. زیرا دستجات مسلح مبتنی بر مبانی سیاسی مشخصی به وجود نیامده و فقط به این خاطر به وجود آمده اند که بجنگند و به همین منظور نیز تأمین مالی شده مورد حمایت قرار دارند.

شما دو سال پیش گفته بودید که در بدترین حالت سوریه تبدیل به سومالیای دومی خواهد گشت.

بله، ما داریم روز به روز به این حالت نزدیکتر می شویم و چند ماه دیگر که بگذرد این برای همگان قابل مشاهده خواهد بود.

آیا در صورت تحقق این پیش بینی برای یک جنبش سیاسی فاقد خشونت مانند گروه شما محلی از اعراب خواهد ماند؟

دستجات موجود سیاسی به کلی عقب نشینی کرده اند و این امکان است که آنها کاملاً محو گردند. واقعیت های کنونی را گروه های مسلح شکل می دهند. در مناطقی که درگیری های جنگی رخ می دهد هیچ گروه سیاسی، اعم از مسلح یا غیر مسلح، وجود ندارد. همه دستجاتی که آنها فعالیت دارند مشغول جمع آوری و به دست آوردن پول یا اسلحه می باشند.

در آلمان این جی او هانی هستند که برای دستجاتی که در مناطق آزاد عمل می کنند پول جمع آوری می کنند. به گفته آنها آن گروه ها به صورت کمیته های محلی فعالیت کرده و می کوشند آگاهی سیاسی مردم را تقویت و نقض حقوق بشر را مستند سازند.

با کمال تأسف باید گفت که درگیری های سوریه نه موجب ایجاد جامعه مدنی گشته است و نه احزاب سیاسی را به وجود آورده است. مفهوم «مدنی» در اینجا منافی «مسلح» به کار برده می شود و در عمل این گروه ها یا در کنار دولت و یا در کنار شورشیان قرار دارند. علت به وجود آمدن آنها این بوده است که آنها برای اینگونه پروژه ها تأمین مالی می شدند، نه به این خاطر که آنها پروژه ای در دست داشته بوده اند که برای آن به پول نیاز داشته باشند.

هنگامی که ما کسی را برای فعالیت مدنی آموزش می دهیم به این موضوع نگاه نمی کنیم که آیا وی حامی یا مخالف دولت است. پروژه ای مانند «روز پس از» سرنگونی «The Day After» یا کمیته های محلی بدین خاطر به وجود آمدند که پول دهندگان به عاملی سیاسی نیاز داشته اند و اگر چنانچه تحولاتی سیاسی در مناطق به اصطلاح آزاد به وجود آیند از این گروه ها به صورت عامل استفاده خواهد شد. تمام دول غرب به سوری ها به این دید می نگرند که آیا طرفدار رژیم یا مخالف آن اند. اگر کسی مخالف رژیم باشد با او همکاری می کنند. اما اگر موافق رژیم باشد حتماً حاضر نیستند با او هم صحبت شوند، چنانکه گوئی او کسی نیست که نیازمند کمک باشد. تمام این حمایت های دول غرب موجب آن می گردد که شکاف موجود در اجتماع سوریه عمیق تر گردد. چه آنها خود این را خواسته باشند یا نخواستند. و من بر این نظرم که قصد آنها همین است.

شما به خطر پاره پاره شدن کشور اشاره نمودید. به نظر شما چه کار می توان و باید صورت داد تا سوری ها با هم آشتی کنند؟

این دیگر در اختیار ما نیست بلکه در اختیار کشورهای دیگر است. تا روسیه و امریکا به توافق نرسند هیچ امکانی برای حمایت از کشور وجود ندارد. تنها امکان موجود برای قانع کردن رژیم به این که روند سیاسی را به راه بیندازد کنفرانس ژنو است.

آیا شما فکر می کنید که این کنفرانس تشکیل خواهد شد؟

بله، زیرا تجزیه سوریه به امارات جنگی و سقوط حکومت مرکزی برای امریکا مطلوب نیست. کشورهای دیگر نیز تکدر خاطر خویش را از سقوط سوریه اظهار نموده و از خطراتی که محصول آن خواهد بود بیم دارند. همه آنها از کنفرانس مزبور حمایت خواهند نمود.

آیا شما انتظار دارید که در این کنفرانس شرکت داشته باشید؟

نه، این معلوم است که یکی از مشکلات عمده کنفرانس مزبور این پرسش می باشد که آپوزیسیون با چه هیأت نمایندگی در آنجا حضور خواهد یافت. ما به روس ها و امریکائیان پیشنهاد کردیم که کنفرانس را بدون هیأت نمایندگی سوری تشکیل دهند.

کنفرانس سوریه بدون سوری ها؟

این کنفرانس بیش از همه بدین خاطر تشکیل می شود که در سطح بین المللی به اجماعی برسند. به نظر ما مهم نیست که دستجات مختلف آپوزیسیون در آنجا حضور یابند، به جز «ائتلاف ملی». فرض ما بر این است که نتایج این کنفرانس در سوریه پیاده گردد و آن هم توسط گروه هائی که خود سوری ها تعیین نمایند و برای این که آنها بخشی از راه حل سیاسی در سوریه باشند، مهم نیست که در کنفرانس شرکت کرده باشند. مجمعی که در ژنو جمع خواهد شد صحنه ای خواهد بود برای حصول توافق میان امریکا و سوریه و حضور سوری ها در کنفرانس مزبور فقط نقش دکوراسیون را خواهد داشت.

از جانب جنبش صلح مرتب این پرسش مطرح می گردد که برای کمک به سوریه و سوری ها چکار می توان کرد.

سازمان های غیر دولتی می باید هر گونه مشروعیت را از درگیری های مسلحانه سلب نموده و به جای آن به دنبال راه حل سیاسی باشند. سوری ها امروزه به مواد غذایی و پناهگاه احتیاج دارند که پیش از به وجود آمدن این بحران احتیاجی به آنها نبود. مهم این نیست که غذا به آنها داده شود. امروزه مهم این است که به بحران موجود پایان داده شود، بحرانی که به خاطرش آنها باید گرسنگی بکشند. تحریم های اقتصادی یکی از علل گرسنگی کشیدن سوری هاست و من امیدوارم که سازمان های غیر دولتی اروپائی به فشار خود بر دولتهایشان بیفزایند تا آنها به سوری ها یاری رسانند، گذشته از این که آنها دارای چه عقیده سیاسی باشند.

سایت لوی حسین در اینترنت <http://www.louay.co.uk/ar>

منبع:

<http://www.jungewelt.de/2013/08-08/053.php>

در روزنامه یونگه ولت، ۱۹ اکتوبر ۲۰۱۳